

امروز براساس تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های محیطی و بررسی‌ها با مشارکت ظرفیت کارشناسی دستگاه‌ها، استادان دانشگاه و فعالان فرهنگی، «آموزش و پرورش» است. ما نسبت به آموزش و پرورش که نسل آینده ایران اسلامی را آماده می‌کند دچار مشکلات عدیده‌ای هستیم که برخی از آنها رو به وخامت دارد. امروز مسأله‌های و خیمی در حوزه آموزش و پرورش کشور داریم. می‌خواهیم این موضوع را تبدیل به مسأله کنیم تا حاکمیت، توجه ویژه کند.

حوزه آموزش و پرورش به اندازه ایران اهمیت دارد

حدود ۱۵ میلیون دانش آموز همراه با خانواده‌هایشان داریم. یک میلیون و ۱۰۰ هزار «فرهنگی» شامل معلمان و کادر اجرایی حوزه آموزش و پرورش مشغول به فعالیت هستند. اگر این جمعیت را همراه با دانش‌آموزان در نظر بگیریم، تقریباً به اندازه «ایران» می‌شود. اهمیت آموزش و پرورش به اندازه اهمیت «ایران» است. هرکسی دلش به حال فرهنگ این کشور می‌سوزد، باید به آموزش و پرورش توجه کند و در واقع «علیکم بالآموزش و پرورش». این مسأله بسیار جدی بوده و شورای عالی انقلاب فرهنگی درحال برجسته‌سازی آموزش و پرورش است. دبیرخانه شورای عالی تأکید دارد مجموعه ظرفیت‌های کشور متمرکز شوند. هرکس می‌تواند به تحقق این امر کمک کند. مسائل متنوعی نیز پیش روی ما قرار دارد؛ از حوزه معلمان و متون آموزشی تا امکانات درسی.

ما روی موضوعاتی تمرکز جدی داریم؛ یکی مسأله نقش معلم که باید تمهید شود، یکی بحث نقش اولیا و تأمین همراهی خانواده‌ها بوده و دیگری مسأله امور پرورشی تربیتی است. درحال حاضر آموزش و پرورش ما واقعا چقدر توانایی دارد تا اردوهای خوبی برگزار کند؟ ما نسل دهه شصتی هستیم و خاطراتی از اردوهای معدودی داریم که از طرف مدرسه رفته‌ام. این اردوها در ذهن مانده. خاطراتش همچنان آثار تربیتی دارد و برای من الهام‌بخش است. به‌طور مثال سفری به شمال کشور داشتیم و با بچه‌ها بازی کردیم. در ادامه نماز جماعت خواندیم و بازی گروهی انجام دادیم. خاطرات کار گروهی، تعلق خاطر که بین بچه‌ها شکل گرفت. احترامی که به معلم خود گذاشتیم و مراسم دعایی که برگزار شد؛ بعد از گذشت دو تا سه‌دهه از زندگی‌ام برابم الهام‌بخش بوده، کمک می‌کند، نگه‌داشته است و هویتم را حفظ می‌کند.

تأکید می‌کنم این نکات، نظرات شخصی من است. در این حوزه مسأله نوجوانان و جوانان هم مطرح می‌شود. در واقع می‌خواهیم به آموزش و پرورش بگوییم برای بچه‌های نوجوان و اوایل دوره جوانی به‌طور جدی فکر کند.

یکی: بحث هویت ملی و همبستگی اجتماعی بوده که امری فرهنگی است. در اتفاقات اخیر دیدیم دشمن از نقاط اختلافی جامعه برای ایجاد شکاف استفاده می‌کند. هیچ‌وقت بین اقوام و مذاهب ساکن در ایران، دشمنی و نزاع‌های منجر به گسست‌های جدی تاریخی وجود نداشته است. من اهل همدان هستم و در این شهر؛ ترک، کرد، لر و لک داریم. دوروستای کنار همدیگر در همدان هستند که یکی ترک و یکی کرد هستند. هیچ‌گاه بین آنها نزاعی جدی شکل نگرفته و همیشه مهربانی، محبت، جشن عروسی، غمخواری و همراهی در مصیبت‌ها بوده است.

وقتی می‌بینیم در یک استان، دو قوم یا دو مذهب را روبه‌روی یکدیگر قرار می‌دهند، واقعیتش دستاویز کردن اختلافات توسط دشمن بیرونی و بازیگر غیرایرانی است. این نکته اهمیت بسیار زیادی دارد. اوضاع در کردستان به همین شکل است. در خوزستان هم تلاش زیادی برای انجام چنین کارهایی به‌کار گرفتند. باید ظرفیت‌های فرهنگی ایران که به‌شکل تاریخی این کشور را همبسته نگه‌داشته، تقویت کنیم. تقویت هویت ملی و همبستگی اجتماعی بسیار مهم بوده و یکی از اولویت‌هاست. ما این هویت ملی و همبستگی اجتماعی را داشته‌ایم و اکنون نیز داریم ولی باید با پرهیز از اختلافات، به‌طور جدی تقویت‌شان کنیم. شخصا این مسائل را دیده‌ام. وقتی می‌بینید عده‌ای از اهالی سنت و تشیع، نگاه‌های بامعنای نامهربانی به هم‌دیگر دارند. اگر کنکاش کنید به این نتیجه می‌رسید که پشت‌ماجرای فرد یا افرادی وجود دارند که ایرانی نیستند.

نسل جوان مادر فضای مجازی امروزی پناه است

وقتی صحبت از فرهنگ به میان می‌آید، عموم جامعه سند مهندسی فرهنگی کشور را نمی‌بینند، بلکه طرح صیانت یا اتفاقات فضای مجازی را مشاهده می‌کنند. نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در این ماجرا کجاست؟

من یک دختر کلاس هفتم و یک پسر کلاس چهارم دارم. ارتباط آنها در دو سال اخیر به دلیل شیوع ویروس کرونا با فضای مجازی زیاد شد. علی‌رغم اینکه هم من تحصیلات عالی در حوزه فرهنگ و هم همسر من تحصیلات عالی در حوزه معارف اسلامی دارم، هر دو دقت داریم و حواس‌مان به مخاطرات حوزه فرهنگ هست ولی در مدیریت مصرف فضای مجازی یا مصرف فرهنگی در فضای مجازی برای بچه‌ها بمان دچار مشکل هستیم. فکر می‌کنم در دو سال گذشته، رابطه بچه‌های خود با فضای مجازی، آثار نامطلوبی روی آنها گذاشته است. امکان دارد بچه‌ها تجربیاتی پیدا کنند که وقتش

توانستیم همراهی مردم را داشته باشیم پیش رفته‌ایم. در حوزه فرهنگ جاهایی انجام شده و خیلی جاها نتوانستیم این کار را انجام دهیم. تصدیق بیش از اندازه دستگاه‌های فرهنگی باعث شده مردم منفعل شوند. مردم از جایی با اعتمادی که به نظام جمهوری اسلامی داشتند، وظایف فرهنگی خودشان را به دستگاه‌ها موکول کرده‌اند. دستگاه‌ها، خودشان کار را انجام داده‌اند و مردم هم به‌دنبال زندگی‌شان رفته‌اند. زمانی ایران پر از جلسات قرآن بود و همه خانواده‌ها پیگیر حضور فرزندشان به جلسات قرآن بفرستند. از جایی این وظیفه را به حکومت واگذار کردند و به‌دنبال کار خودشان رفتند. به نظر من این اشتباه استراتژیک ما در اداره فرهنگی کشور بود. مسأله مردمی‌سازی، یک رکن برای اجرایی‌سازی است.

مردمی‌سازی یعنی ظرفیت‌های مردم هم در طراحی، هم در تمهیدات اولیه اجرا، هم در اجرا و هم در نظارت فعال شود. الحمدلله در همه این زمینه‌ها، ظرفیت‌های بی‌پایانی در فضای مردمی داریم. متخصص در فضای مردمی، سلیقه‌های موثر، شوق همراهی و تأمین منابع وجود دارد اما منابع فرهنگ ما خیلی محدود است. در نگاهی اصلاگریزی از رفتن به سمت مردم نداریم. مردم ایران برای حوزه فرهنگ هزینه می‌کنند. میزان خیرات برای امام حسین (ع) و حوزه وقف را ببینید. این موارد ظرفیت‌هایی است که در اختیار فرهنگ قرار می‌دهند و باید بتوانیم به خوبی استفاده کنیم. مردمی‌سازی، حوزه‌ای محسوب می‌شود که حدود سه‌سال است روی آن تمرکز ویژه داریم. البته قبلاً هم کارهایی انجام شده بود.

ما به الگوهایی رسیده‌ایم که درکنار چهارچوب تدوین اسناد ملی، زمینه‌های مشارکت مردم در تدوین و پیاده‌سازی را در بر می‌گیرد. یکی از بحث‌های حرکت استانی این است که به شهرها برویم تا به مردم برسیم. در تدوین احکام پیشنهادی نیز گفتیم حکمی خوب است که مشارکت‌پذیری مردمی‌اش زیاد باشد و فضا را برای مردم باز کند. دستگاه اجرایی عقب بیاید و تسهیلگر و توانمندساز باشد. اجرا و پیاده‌سازی به دست مردم سپرده شود. امروز مدارس مسجدمحور، ظرفیت مشارکت مردم در آموزش و پرورش عمومی کشور محسوب می‌شود. این ظرفیت وجود دارد و مساجد ما نیز وجود دارند. انگیزه‌ها و توانایی‌هایش نیز موجود است. اگر تمهید کنیم و ریل‌گذاری‌هایش در برنامه‌های توسعه و بخشی در سند ملی انجام شود، بهره‌مند خواهیم شد. این چهار رویکرد ما در اجرایی‌سازی سند ملی و مصوبات‌مان به‌شمار می‌رود و کلان‌راهبر و ویژگی اصلی دوره جدید تحولی شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود.

اتفاقات اخیر نشان‌دهنده حوزه فرهنگی و اجتماعی جزء مسائل اصلی کشور است

با توجه به واقعیت‌های جامعه ما و بازخوردهای چند هفته اخیر، فکر می‌کنید شورای عالی انقلاب فرهنگی در چهلواژه دوم باید چه اولویت‌هایی در حوزه فرهنگ داشته باشد و چه مقدار به این سمت حرکت کرده است؟

شورای عالی انقلاب فرهنگی در رویکرد تحولی خودش، بازسازی داخلی انجام داده است. این بازسازی داخلی با حکم مقام معظم رهبری در صحن شورا اتفاق افتاد؛ اتفاقاتی با مینا قرار دادن مجموعه بیانات و رهنمودهای ایشان در دبیرخانه شورا رخ داده و قدم‌های بزرگی در راستای توانمندسازی و بازسازی شورای عالی انقلاب فرهنگی برداشته‌ایم. ایده‌آل نیست؟ نه. عده‌ای صحبت‌هایی مطرح می‌کنند ولی ایده‌آل نیست اما شورای عالی انقلاب فرهنگی واقعا قدم‌های بزرگی برداشته است. رویکردها و ظرفیت‌هایی از جمله مواردی که پیش‌تر گفتم، در بازسازی اتفاق افتاده است.

وقایع دوماه اخیر به ما نشان داد حوزه فرهنگی و اجتماعی چنانکه در بیان رهبران نظام جمهوری اسلامی مطرح بوده و هست، حوزه اصلی کشور محسوب می‌شود. دچار مظلومیتی در حوزه فرهنگ هستیم. علی‌رغم تأکید از سوی رهبری، وقتی در لایه اداره قرار می‌گیرید، این تأکید باعث همراهی جدی منسجم‌انگزار نمی‌شود. دلیلش این است: رکن و اصلی بودن فرهنگ برای بسیاری از افراد و دستگاه‌ها روشن نیست. به نظرم یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای اتفاقات دوماه اخیر این بود: برای بسیاری روشن شد حوزه فرهنگی و اجتماعی، حوزه اصلی است و باید به آن توجه ویژه کرد. این اتفاق بسیار خوب است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در برجسته‌سازی اهمیت مسائل حوزه فرهنگی و اجتماعی در اتفاقات اخیر فعال عمل کرد. این مسأله همیشه وجود دارد. اگر فرهنگ، پیشران پیشرفت کشور است، ما باید این مسأله را در نگاه کارگزار نظام برجسته کنیم. همان‌طور که می‌گویید: «فرصت‌ها از دل بحران‌ها بیرون می‌آیند»؛ اتفاقات اخیر فرصتی برای فرهنگ است تا اهمیت خود را یادآور شود. وقتی می‌بینیم سهم فرهنگ از بودجه عمومی کشور، سهمی نحیف است؛ زبان‌گویای برنامه است که می‌گوید: «من فرهنگ‌محور نیستم.» صدای بلند شورای عالی انقلاب فرهنگی فریاد می‌زند: «فرهنگ رارکن، مینا و پیشران پیشرفت در نظر نگرفته‌اند.»

اگر به مسأله کمی نزدیک‌تر شویم، می‌بینیم در شرایط کنونی یکی از مسأله‌های جدی